

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال هشتم، شماره ۲۷/۲۱۷ فروردین ۱۴۰۳ / ۱۵ آوریل ۲۰۲۴

مزاحمت تلفنی برای ارگان های فوریت



## در این شماره می‌خوانید:

مزاحمت تلفنی برای ارگان‌های فوریتی باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود.

مزاحمت تلفنی برای اورژانس و آتش‌نشانی

تماس‌های مزاحم به مراکز اورژانس، یک معضل ریشه‌ای

عدم همکاری رانندگان با آمبولانس‌ها ممکن است به قیمت جان انسان‌ها تمام بشود.

مزاحمت تلفنی برای اورژانس و آتش‌نشانی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، علی‌اصغر فریدی، سیروان منصور

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



نیره انصاری

## مزاحمت تلفنی برای ارگان‌های فوریتی باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌شود

### مزاحمت تلفنی یا ناامنی جامعه؟

هرچند آزادی بیان و عقیده در بیشتر کشورهای جهان اصول حقوقی پذیرفته شده هستند، اما در هر کشوری محدودیت‌های خاصی دارند. در کل هر قاعده‌ای چه حقوقی و چه غیرحقوقی استثناهایی دارد و آزادی بیان هم همین طور است.

پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پس از آنکه حق آزادی بیان را با تمام ابزارهای بیان به رسمیت می‌شناسد، اما در بندهای دوم و سوم ماده ۱۹ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای این آزادی محدودیت‌هایی وضع شده است که البته تنها به حکم قانون و در صورت ضرورت تجویز می‌شوند. این محدودیت‌ها برای حمایت از این مواردند:

- حقوق یا حیثیت و اعتبار دیگران با رعایت موارد یاد شده
- امنیت ملی یا نظم عمومی
- بهداشت جامعه
- اخلاق عمومی

و در بند ۳ ماده ۱۹ آن به این نکته توجه می‌کند که ممکن است این حق با برخی محدودیت‌ها



مواجه شود. اگرچه تنها محدودیت‌هایی که قانون برقرار کرده و لازم و ضروری است، آنهم تنها به منظور احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا اخلاق و بهداشت همگانی قابل اعمال است. افزون بر این به نظر نگارنده؛ «آزادی آنجایی تعریف‌پذیر است که موجب اضرار به غیر شود.»

### امنیت عمومی

حال آنکه امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است. هرگاه که انسان احساس خطر می‌کند نیاز به امنیت در او بیدار می‌شود. واژه امنیت نخستین بار در کمیسیون مستقل مسایل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه) تجلی یافت. برنامه توسعه ملل متحد نیز پس از یک دهه به بررسی ابعاد مفهومی و حقوقی آن پرداخت و اظهار داشت که فرد انسانی باید در بطن امور قرار بگیرد. همچنین برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود به دو جزء مهم «امنیت انسانی» اشاره کرد: رهایی از ترس و رهایی از نیاز.

دغدغه امنیت انسانی شناسایی و برطرف کردن عواملی است که حقوق افراد را در هر نقطه‌ای از جهان مورد تهدید قرار می‌دهد. اگر امنیت انسانی به عنوان یک طبقه‌بندی مضیق حمایت از حقوق بشر آنگونه که در بالا اشاره شد، در نظر گرفته شود؛ پس سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا، نه تنها حق دارند، بلکه، تعهدات حقوقی نیز به امنیت انسانی

## اورژانس بیمارستان‌ها

دارند. ماده ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد به دولت‌ها توصیه می‌نماید که در جهت احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر بکوشند و برای نیل به این اهداف متعهد شوند و به صورت اقدامات فردی و جمعی با سازمان ملل متحد همکاری کنند. در پیش نویس تازه قانون اساسی اتحادیه اروپا به صراحت همانند این تعهد به رسمیت شناخته شده است.

گرچه در قوانین موجود در ایران تعریف و تبیین شفاف‌ی از «امنیت عمومی» به معنای حقوقی آن ارائه نشده و مواد قانونی در این خصوص مسکوت هستند. از دیگر سو امنیت مساله‌ای پویا است که با توجه به زمان و مکان در هر جامعه‌ای ممکن است متفاوت تعریف شود. به همین جهت تعریف حقوقی از امنیت باید تبیین شده و متناسب با شرایط باشد. از این رو تلاش حقوقدان‌ها همواره بر این بوده که امنیت را به صورت عام تعریف کنند.

امنیت در مفهوم عام آن در مقابل ترساندن و عدم آسایش به کار برده می‌شود و هر عملی که سبب شود آسایش فرد یا جامعه بر هم بخورد، می‌تواند مصداق عدم امنیت تلقی شود. به همین دلیل هر عملی که مصداق ضد امنیت است، توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات پیش‌بینی می‌شود.

مجازات در مفهوم عام آن در مقابل ترساندن و عدم آسایش به کار برده می‌شود و هر عملی که سبب شود آسایش فرد یا جامعه بر هم بخورد، می‌تواند مصداق عدم امنیت تلقی شود. به همین دلیل هر عملی که مصداق ضد امنیت است، توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات پیش‌بینی می‌شود.

**جرم و مجازات مزاحمت‌های تلفنی علیه نهادهای دولتی از جمله آتش نشانی و**

واقع یکی از انواع مزاحمت تلفنی، دادن اخبار کذب و غیرواقعی به اورژانس است که بیانگر این است که هر ماموریت کاذب ممکن است منجر به مرگ یک شهروند به دلیل نبود آمبولانس برای اعزام او به بیمارستان بینجامد، که این امر اشاره به ناتوانی سازمان اورژانس در کشور نیز

برای برخورد قضایی با مزاحمان تلفنی دارد. همچنین لزومی به سخن گفتن یا نوشتن نیست، بلکه، صرف زنگ زدن و سکوت می‌تواند موجب تحقق این جرم شود. اساساً لزومی به احراز آگاهی مرتکب از هویت طرف نیست، چنانچه مرتکب هیچگونه شناختی از طرف مقابل نداشته و یا در گرفتن شماره طرف و یا در مشخصات پست الکترونیکی مرتکب اشتباه شود و مبادرت به ایجاد مزاحمت نماید، مجرم محسوب و مجازات خواهد شد.

وقوع جرم منوط به تعدد دفعات برقراری تماس، پیام گذاشتن و مواردی از این قبیل نیست، اما هرچه تعداد دفعات آن بیشتر باشد آسانتر میتوان به تحقق جرم حکم نمود. شخصیت یا هویت فردی که مورد مزاحمت قرار می‌گیرد و شناخت یا عدم شناخت مزاحم از وی شرط محدود نمی‌شود، بلکه اورژانس، بیمارستانها، شعبه‌های سازمان آتش‌نشانی، موسسات تاکسی تلفنی، رستوران‌هایی که مشترکان تلفنی دارند، پلیس ۱۱۰، ۱۱۸ و غیره را نیز شامل می‌شود و این امر مجازات‌های سنگین‌تری را می‌طلبد.

شایان یادآوری است که مزاحمت‌ها، به مشکلاتی که برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند محدود نمی‌شود، بلکه اورژانس، بیمارستانها، شعبه‌های سازمان آتش‌نشانی، موسسات تاکسی تلفنی، رستوران‌هایی که مشترکان تلفنی دارند، پلیس ۱۱۰، ۱۱۸ و غیره را نیز شامل می‌شود و این امر مجازات‌های سنگین‌تری را می‌طلبد. حکم این ماده مربوط به تلفن ثابت و همراه اعم از اینکه همراه اول، ایرانسل یا هر شرکت دیگری باشد، قابل تسری است. همچنان که مزاحمت تلفنی سایر مشترکین قابل پیگرد قضایی است، از این بیش، دستگاه فاکس، تلکس، بیسیم، پیجر، رایانه متصل به اینترنت و هر وسیله مخابراتی دیگر نیز میتواند وسیله مجرمانه این جرم باشند. برای برخورد قضایی با مزاحمان تلفنی دارد. همچنین لزومی به سخن گفتن یا نوشتن نیست، بلکه، صرف زنگ زدن و سکوت می‌تواند موجب تحقق این جرم شود. اساساً لزومی به احراز آگاهی مرتکب از هویت طرف نیست، چنانچه مرتکب هیچگونه شناختی از طرف مقابل نداشته و یا در گرفتن شماره طرف و یا در مشخصات پست الکترونیکی مرتکب اشتباه شود و مبادرت به ایجاد مزاحمت نماید، مجرم محسوب و مجازات خواهد شد.

نماید، مورد از موارد تعدد مادی مختلف است که به استناد ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مستوجب جمع تعدد مجازات میگردد. همچنین ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تاسیس شرکت مخابرات ایران مصوب سال ۱۳۶۶ در خصوص مزاحمت تلفنی بیان می‌دارد: «هر کس وسیله مخابراتی در اختیار خود را وسیله مزاحمت دیگری قرار دهد یا با عمد و سوءنیت ارتباط دیگری را مختل کند، بار نخست پس از کشف، ارتباط تلفنی او به مدت سه ماه همراه با اخطار کتبی قطع و تجدید ارتباط مستلزم پرداخت هزینه‌های مربوطه خواهد بود.

### ارکان جرم مزاحمت تلفنی

رکن قانونی: رکن قانونی هر جرم، در واقع همان متن و نصی است که قانونگذار با نگارش و اندراج آن در مجموعه قوانین کشور فعلی یا ترک فعلی را جرم دانسته و مستحق مجازات میداند. با این وصف ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی، رکن قانونی جرم مزاحمت تلفنی محسوب میشود. بر اساس این ماده: «هر کس به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب، به حبس از يك تا شش ماه محکوم خواهد شد». روشن است که آوردن کلمه «مرتکب» در انتهای این ماده با توجه به صدر ماده که با عبارت «هرکس» آغاز میشود، زائد و برخلاف اصول نگارش

زبان فارسی است! رکن مادی جرم: جسم و پیکر مادی و ملموس جرم و در واقع تجلی فکر، نیت و قصد مجرمانه فرد در عالم خارج است. به حکم قاعده «غیرقابل مجازات بودن صرف اندیشه مجرمانه» تا زمانی که قصد مجرمانه فرد، جلوه مشهود و بیرونی نداشته و آن را به رفتار، گفتار و یا حالت مجرمانه تبدیل ننماید، مجرم محسوب نمیشود و قابل مجازات نیست. در تحلیل رکن مادی يك جرم، اجزای رکن مادی همچون رفتار مجرمانه و خصوصیات آن، وسیله مجرمانه، موضوع جرم، شخصیت طرفین جرم، نتیجه مجرمانه و رابطه سببیت بین فعل مرتکب و نتیجه مجرمانه مورد بحث قرار میگیرند.

رکن معنوی: آنچه در خصوص رکن مادی جرم بیان شد حتی در صورت وقوع تام و تمام، تنها در صورتی جرم و مستوجب مسئولیت کیفری و مجازات خواهند بود که فاعل، هنگام فعلیت بخشیدن به آنها دارای شرایط ذهنی و روانی خاص باشد. بدین معنا که سوءنیت و قصد وی دایر بر ارتکاب جرم و یا دست‌کم، خطای غیرقابل اغماض وی آشکار و محرز گردد.

در حقیقت برای تحقق جرم، فراتر از دو عنصر قانونی و مادی، وجود عنصر روانی هم ضرورت دارد و ارتکاب یک عمل مجرمانه به خودی خود دلیل بر وجود عنصر روانی نیست و در مواردی با آنکه عمل مجرمانه به وقوع می‌پیوندد، قانون

مرتکب آن را به دلیل فقدان قصد مجرمانه یا مسئولیت کیفری قابل مجازات نمیداند. بنابراین برای آنکه عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد؛ یکی «اراده ارتکاب» و دیگری «قصد مجرمانه» است. عناصر و اجزای سه‌گانه رکن معنوی شامل سوءنیت عام، سوءنیت خاص و انگیزه مجرمانه می‌گردد. سوءنیت عام: یا قصد ارتکاب رفتار مجرمانه، متفاوت است.

بدینسان از قرائت ماده ۶۴۱ نیز به دست می‌آید، انگیزه مزاحمت تلفنی از ایجاد مزاحمت در تحقق مسئولیت کیفری و تحمیل مجازات بر وی فاقد اثر بوده و تنها در فرض «شرافتمندانه بودن انگیزه فاعل» که البته چنین مورد بحث، تعلق اراده فاعل بر سوءاستفاده از دستگاههای مخابراتی و یا به عبارت دیگر قصد برقراری تماس شرارت‌آمیز، سوءنیت عام محسوب می‌گردد.

سوءنیت خاص: هرچند سوءنیت عام برای تحقق جرم عمدی کافی نیست. برخی اوقات قانونگذار تحقق جرم را مشروط به اراده جزایی مشخص تری میکند که سوءنیت خاص یا اختصاصی نامیده میشود.

انگیزه: در تعریف سوءنیت خاص؛ مرتکب باید از انجام اقدامات نامشروع خویش، نیل به نتیجه‌ای مشخص را در سر پروراند و خواهان وقوع آن باشد. «انگیزه بزهکارانه» را نیز میتوان به همین صورت تشریح کرد، اما دست یافتن به نتیجه‌ای که انگیزه بزهکار از انجام اعمال غیرقانونی است، نتیجه‌ای دورتر و بعیدتر از

نتیجه مورد نظر فاعل در حیطه سوءنیت خاص است. بدین معنا که سوءنیت خاص هدف نزدیک و خواسته بلاواسطه مجرم و انگیزه، هدف نهایی و غایی او از ارتکاب جرم است. اولی در همه مجرمین که مرتکب يك جرم خاص میشوند مشترك و دومی بر حسب شخصیت مرتکب و علایق، نیازها، خواسته‌های آنها متفاوت است.

میل و خواستنی قطعی و منجر به انجام عمل یا ترك عملی است که قانون آن را نهی کرده است در واقع، سوءنیت عام معرفت فاعل به نامشروع بودن عمل ارتكابی و خواست او برای انجام این عمل است. با این وصف، در جرم مورد بحث، تعلق اراده فاعل بر سوءاستفاده از دستگاههای مخابراتی و یا به عبارت دیگر قصد برقراری تماس شرارت‌آمیز، سوءنیت عام محسوب می‌گردد. سوءنیت خاص: هرچند سوءنیت عام برای تحقق جرم عمدی کافی نیست. برخی اوقات قانونگذار تحقق جرم را مشروط به اراده جزایی مشخص تری میکند که سوءنیت خاص یا اختصاصی نامیده میشود. انگیزه: در تعریف سوءنیت خاص؛ مرتکب باید از انجام اقدامات نامشروع خویش، نیل به نتیجه‌ای مشخص را در سر پروراند و خواهان وقوع آن باشد. «انگیزه بزهکارانه» را نیز میتوان به همین صورت تشریح کرد، اما دست یافتن به نتیجه‌ای که انگیزه بزهکار از انجام اعمال غیرقانونی است، نتیجه‌ای دورتر و بعیدتر از

## پایان سخن

گرفته، با ماموریت کاذبی که با تماس یک مزاحم تلفنی شکل گرفته ارتباطی وجود دارد، به استناد قانون فرد مزاحم مسئول است، هرچند تعدد مزاحمت‌ها آنقدر زیاد است که امکان رسیدگی از سوی اورژانس یا جایی همچون آتش‌نشانی نیست، زیرا ثبت شکایت علیه مزاحم‌ها هم بودجه و نیروی پیگیری نیاز دارد که معمولاً در اختیار این سازمان‌ها نیست.

افزون بر موارد بالا ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت می‌گوید: «هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

بر پایه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مواد ۱۴۰ تا ۱۴۵ برای تحقق مسئولیت کیفری، شرایطی بیان شده است. در خصوص مسئولیت کیفری که در نتیجه عمل فرد دیگری به وجود می‌آید، تنها در زمانی محقق می‌شود که به دلایل قانونی، فرد مسئول عمل فرد دیگری باشد یا به علت رفتار دیگری، تقصیری انجام دهد. در مسئولیت کیفری زیان و خسارت ناشی از جرم، در قبال جامعه است، هدف مسئولیت کیفری چنان که اشاره شد، دفاع از نظم جامعه، جبران خسارت عمومی، اصلاح جامعه و پیشگیری از ارتکاب جرم است.

بنابر آنچه پیشتر گفته شد می‌توان بیان کرد که حقوق اساسی، سطح سوم از امر سیاسی است. نظام حقوقی که بر اساس منطق مفهومی خود عمل می‌کند و از دخالت آشکار صاحبان قدرت مصون است، دستاوردی مهم محسوب می‌گردد. اما هرگاه ایده مدرن «حاکمیت قانون» مطرح می‌شود، اغلب نظامی حقوقی تصور می‌شود که در پی تعدیل روابط شهروندان است. یا اینکه باید رویه‌های مستحکم اعمال مجازات‌های کیفری را حفظ نماید. این تصور اساساً متأثر از نظریه مونتسکیو است که طرفدار نظام سیاسی متعادل بود که در آن قدرت با قدرت کنترل می‌شود!

از منظری دیگر، خشونت در جوامع و فرهنگ‌های گوناگون از عوامل مختلف نشأت می‌گیرند، اما در جامعه ما تاریخ استبدادی دراز مدت و نیز رسمیت دادن دین در قانون اساسی و به تبع آن در قوانین عادی چون قانون مدنی و قانون کیفری توسط قانونگذار، نقش ویژه و بارز دارند و این عوامل خشونت‌گرایی و بی‌احترامی به حقوق دیگران، اختلال در نظم عمومی جامعه را زمینه‌سازی کرده است. زیرا هر قانونی گذشته از معقول و خوب بودن و یا غیر از آن، فرهنگ منبعث از آن قانون را بتدریج وارد جامعه می‌نماید. در واقع آنچه در وضعیت کنونی کشور فعلیت تخریبی داشته است، موضوعیت یافتن دین در ساحت حقوق اساسی بوده است.

و این در حالی است که از سده هفدهم، اندیشه

حقوق اساسی بر پایه «ضرورت پاسخگو کردن حاکمان بر مردم» استوار شده است. یکی از پیامدهای این تحول، گرایش به صورت‌بندی مفهوم «اقتدار حاکم» با محوریت نهادی است که کنترل نهایی را بر فرایند گسترش «خبر عمومی» دارا است.

«ژوژ سورل» فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی در اثر خود «تفکرات درباره خشونت» می‌گوید: خشونت به معنای تخریب نظم اجتماعی است. به بیان دیگر این خشونت شیرازه مناسبات را بهم ریخته، کینه‌ها و انتقام‌کشی را حادث کرده و سلطه متکی بر زور را تحمیل می‌کند. فشار زندگی و نگرانی نسبت به سرنوشت خود و فرزندان، آسایش روحی را بشدت پایین آورده است. نبود حاکمیت قانون، سیاست معقول در برنامه‌ریزی کلان و سازمان‌یافته برای استراحت و اوقات فراغت در جامعه و به اصطلاح تنفس روانی برای افراد، موجب کاهش قدرت کنترل افراد بر رفتارشان می‌شود. در بستر این آشفتگی و خستگی شرایط مناسب است تا افراد پریشانتر گشته و به قهر و خشونت روی آورند.

و این در حالی است که اعلامیه حقوق شهروند فرانسه که مقدم بر اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸) / نسل نخست حقوق بشر) بوده، بیانگر تاکید بر حقوق اساسی، حقوق شهروندی و نظام آموزشی بصیرت‌زا است.

به حیث حقوقی ماهیت، کنه و ذات یک حاکمیت در نظام و سیستم آموزشی آن متجلی می‌شود و از همین رو اساسی‌ترین فصل‌هایی که یک فیلسوف حقوق اساسی باید استدلال‌محور در آن بتواند نظریه‌های حقوقی ارائه نماید، همانا حوزه آموزشی است. البته پس از فهم منزلت نظام آموزشی در قانون اساسی. با تاکید بر این امر که قانون اساسی حکومت اسلامی در ایران فاقد فهم منزلت نظام آموزشی مدرن است.

اکنون اگر بخواهیم یک نظام آموزشی کارآمد داشته باشیم، باید فهم مبتنی بر رشته‌های علوم انسانی، بستر تاریخی که کشور در آن است را درک نمود و بر پایه دانش مدیریت، آن را در نظام آموزشی مطلوب هم برای کادر سازی حاکمیتی و هم برای داشتن جامعه سکولار، بهره‌مندی کافی را داشت. البته آنچه در این امر برجسته می‌نماید ایجاد تغییر اساسی در نظام حقوقی، سیاسی، قضایی و آموزشی در ایران و بازاندیشی در خصوص جایگاه اکنون علوم انسانی در میان خود نسل جوان و مناسبات فرهنگی جامعه است. در هر نظام آموزشی و با مفاهیمی چون حقوق بشر، روماداری، پلورالیسم، اخلاق کار گروهی، فمینیستی درک کردن اخلاق اجتماعی و اخلاق خانوادگی، درک سوسیال‌دموکراسی هم در اخلاق و هم در تعاملات اجتماعی و نظم عمومی جامعه و نیز در حوزه تعامل با قدرت، فهم اندیشه‌های سیاسی، مطالعات روانشناختی، فهم منطق، فلسفه هنر رسانه و قواعد تعامل در عصر رسانه و نحوه بهره‌وری از شبکه‌های اجتماعی از درس‌های اجباری مقطع متوسطه باید باشد که یکی از موثرترین شیوه‌ها برای حل این مشکل در درازمدت است.

## مزاحمت تلفنی برای اورژانس و آتش‌نشانی



سیروان منصوری

به طور کلی، موضوع مزاحمت در کشور ما و در شرایط کنونی موضوعی فرهنگی و معضلی است اجتماعی که خوشبختانه در گذر زمان، هم شکل و هم شدت و میزان آن، دستخوش تغییرات مثبتی قرار گرفته و با رشد تمدن و تکنولوژی و بهبود وضعیت فرهنگی جامعه، این موضوع نیز نسبت به سابق کم‌رنگ‌تر شده، اما کماکان باعث ایجاد مشکلات زیادی به خصوص در موضوع بحث ما، یعنی مزاحمت‌های تلفنی برای ارگان‌های فوریتی مانند اورژانس و آتش‌نشانی می‌شود و می‌بایست بهترین راهکار مبارزه و پیشگیری از بروز عواقب زیانبار آن، در اختیار فرهنگ و سپس قانون ما باشد.

هر روزه مزاحمت‌های تلفنی زیادی برای اورژانس و آتش‌نشانی ایجاد می‌شود که متأسفانه علاوه بر تلف شدن ساعتها کار و نیروی انسانی، در برخی مورد حتی به دلیل کمبود پرسنل و تجهیزات به دلیل این مزاحمت‌ها، سبب خسارات جانی هم شده است.

یکی از عمده‌ترین اشکالات در مواجهه با این موضوع در کشور ما، بحث عدم توجه به این مساله در بحث آموزش و تبلیغات است، به گونه‌ای که این مساله به یک معضل فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. از دیگر سو به دلیل نبود قوانین جزایی

محکم در مجازات این مرتکبان جرم، و قابل گذشت بودن مجازات مجرمان و همچنین عدم تفکیک در مجازات مزاحمان به اشخاص حقیقی و حقوقی (سازمان‌ها و نهادها)، در سالیان اخیر بحث بر سر این مساله در میان حقوقدانان داغ بوده است که آیا باید قوانین در این زمینه اصلاح شوند و در کنار توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی، آیا نیاز است که قانون‌گذار موجبات تشدید مجازات افراد خاطی را فراهم کند؟ بخش آموزشی و بازآموزی چه می‌شود؟

برای بررسی این موضوع و تبعات حقوقی و جزایی آن، مجله حقوق ما با «مهسا کبریانی» وکیل پایه یک دادگستری و عضو اصلی کمیسیون حقوق بشر قانون وکلای خراسان، گفت‌وگو کرده است:

### نقش فرهنگ اجتماعی را در بروز این موارد چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قطعا و یقینا موثرترین عامل در این عملکرد، فرهنگ فردی و اجتماعی است. متأسفانه این افراد، مزاحمت تلفنی را نوعی شوخی تلقی کرده و آن را نوعی تفریح و سرگرمی می‌دانند و نتایج زیانبار آن را، خصوص در ارگان‌های فوریتی مورد بحث ما، اعم از آتش‌نشانی و اورژانس، جدی نگرفته و به آن نمی‌اندیشند.

همچنین می‌توان این موضوع و حس خوب ناشی از این کار را به مشکلات شخصیتی و روانی افراد نیز ارتباط داد، لکن اگر در خصوص ارتباط این مزاحمت‌ها با فوت یا نقص عضو هموطنان اطلاع‌رسانی بیشتری انجام شود و فرهنگ‌سازی گسترده‌ای صورت گیرد، بسیار کمک‌کننده است.

آموزش و پرورش و رسانه‌ها چگونه در

این زمینه می‌توانند فرهنگ‌سازی کنند؟

آیا این مساله یک معضل ریشه‌ای است؟

آموزش و پرورش و رسانه‌ها دو بستر اصلی هستند که می‌توانند تغییرات فرهنگی شگرفی را در جامعه ایجاد کنند. هرچند خوشبختانه نسل

جدید با مطالعه و ارتباطات گسترده‌تر نسبت به

این موضوع مهم، آگاه‌تر شده‌اند، اما هنوز هم

میزان مزاحمت‌ها در این ارگان‌ها بسیار بالاست

و کارکنان خدوم و دلسوز امدادرسان، می‌بایست

انرژی زیادی را برای پاسخگویی به این تماس‌ها

و تشخیص مخاطب واقعی از مزاحم، تلف کنند و

چه بسا به دنبال این موضوع و از دست‌دادن زمان

های طلایی برای امدادرسانی، افراد زیادی دچار

جراحت، آسیب یا حتی فوت شده و این اهمیت

فرهنگ‌سازی برای رفع این مشکل را دوچندان

می‌کند.

قوانین موجود تا چه اندازه توانسته

در کاهش مزاحمت‌ها موثر باشد؟ آیا

توانسته‌اند نقش بازدارندگی بازی کنند؟

به نظر می‌آید با توجه به عدم وجود ماده واحده یا

تبصره‌ای خاص برای جرم‌انگاری مزاحمت برای

این ارگان‌های حساس و وجود خلاءهای قانونی

و تعیین مجازات قلیل برای مزاحمت تلفنی،

قانونگذار در اهمیت‌گذاری به موضوع و ارتباط

آن جان و مال انسان‌ها، اهمال و کم‌کاری نموده

است، چرا که می‌بایست ضمانت اجرای چنین

عمل غیراخلاقی که کاملاً عمدانه و با آزار و اذیت

همراه است، متناسب با عمل ارتكابی باشد تا

موجب بازدارندگی افراد از انجام آن شود.

آیا در قوانین ایران بین مزاحمت برای

افراد با ارگانهای دولتی، تفاوت قایل شده

است؟ مجازات‌های این مزاحمت‌ها به چه

شکل است؟

در پاسخ به قسمت اول این سوال، باید ابتدا به این

پرسش پاسخ داد که آیا از نظر قانونگذار ایران، بزه

مزاحمت تلفنی نسبت به اشخاص حقوقی اصولاً

قابل تصور است؟ یا موضوع مزاحمت در ماده

۶۴۱ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)

مصوب ۱۳۷۵، صرفاً اشخاص حقیقی است؟

ظاهراً مقنن در خصوص این جرم، بین اشخاص

حقیقی و حقوقی تفاوت قایل شده است و باید

به یک مطلب مهم توجه داشت که برخلاف نظر

عده‌ای، به تصریح ماده ۶۴۱ قانون یادشده،

موضوع این جرم «اشخاص» هستند و به

نظر می‌رسد با توجه به اطلاق این واژه، جرم

مذکور نسبت به هر دو نوع شخص «حقیقی»

و «حقوقی» قابل ارتكاب باشد. چرا که واژه

اشخاص اعم از شخص حقیقی (افراد) و شخص

حقوقی (ارگان‌ها، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها،

موسسات و...) است.

از طرفی، دیدگاه عدم تحقق بزه مزاحمت

تلفنی نسبت به اشخاص حقوقی را نمی‌توان

با واقعیت‌های اجتماعی (تماس‌های مکرر

مزاحمت‌آمیز برای مواردی همچون اورژانس

و آتش‌نشانی) قابل تطبیق دانست، زیرا تفسیر

لفظی عبارات قانونی با این دیدگاه همسو نیست.

بنابراین، اشخاص موضوع سوال نیز باید از

حمایت‌های قانونی برخوردار باشند. در نتیجه با

فرض پذیرش تحقق جرم مزاحمت تلفنی نسبت

به اشخاص حقوقی، باید گفت که مجازات مرتکب

(اعم از اینکه مخاطب مزاحمت، شخص حقیقی

یا حقوقی باشد) یکسان است و از این حیث تفاوتی

بین مجازات قانونی برای اشخاص حقیقی و

حقوقی وجود ندارد.

در خصوص بخش دوم این پرسش هم باید گفت

- با فرض پذیرش این نظر که جرم مزاحمت تلفنی

نسبت به اشخاص حقوقی نیز قابل تحقق است، -

مجازات‌های این مزاحمت‌ها یکسان است. به این

ترتیب که افزون بر اجرای مقررات خاص شرکت

مخابرات، مرتکب به مجازات حبس محکوم

خواهد شد.

منظور از مقررات خاص شرکت مخابرات، ماده

واحد قانون اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون

تاسیس شرکت مخابرات ایران مصوب سال

۱۳۶۶ است که به موجب آن، تلفن شخص مزاحم

(مجرم) در مرتبه اول به مدت یک هفته، در مرتبه

دوم به مدت سه ماه و در مرتبه سوم به‌طور دائم

قطع خواهد شد.

در خصوص مجازات حبس هم باید به این مطلب

توجه داشت که میزان حبس تا قبل از قانون

کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹،

یک تا شش ماه بود که بعد از تصویب این قانون،

چون جرم مزاحمت تلفنی، در زمره جرایم قابل

گذشت است، لذا مجازات این جرم به استناد

تبصره ماده ۱ قانون کاهش، به نصف تقلیل یافته

و در حال حاضر میزان مجازات حبس جرم مذکور

از پانزده روز تا سه ماه است.

یکی از انواع قتل‌های عمد یا غیرعمد جای داد.

در صورت فوت افراد بر اثر اتلاف وقت

این نهادهای فوریتی، قانون با فرد خاطی

چگونه رفتار می‌کند؟ آیا به عنوان قتل

عمد یا غیرعمد محسوب می‌شود؟

البته این سوال از زوایای مختلفی قابل بررسی

است، ولی به‌طور خلاصه آنکه حتی اگر تحقق

جرم مزاحمت تلفنی نسبت به اشخاص حقوقی

مورد پذیرش قرار نگیرد، پاسخ مثبت به این سوال

قابل تصور است. مثلاً اگر مزاحم تلفنی با دادن

نشانه‌های غیرواقعی در کار یا ماموریت مامورین

اورژانس یا آتش‌نشانی، اختلال ایجاد کند و از

این طریق باعث ضرر و زیان و خسارت و موجب

بازداشتن آن‌ها از وظایفشان گردند، شخص

مزاحم از جهت خسارات وارده در مراجع قانونی

قابل تعقیب خواهد بود.

در خصوص اینکه بر اقدام شخص مزاحم عنوان

قتل اعم از عمد یا غیرعمد صادق خواهد بود،

نمی‌توان به سادگی پاسخ داد و حکم کلی صادر

کرد، چرا که در هر پرونده علل، عوامل و شرایط

خاص و متفاوتی وجود دارد که باید از نظر قانونی،

قضایی، پزشکی و عرفی مورد بررسی و ارزیابی قرار

گیرد.

یکی از مشکل‌ترین و مهم‌ترین قسمت‌های

پرونده‌های قتل، بحث رابطه سببیت و استناد

میان تقصیر و نتیجه است که باید مورد بررسی قرار

گیرد. چنانچه اقدام مزاحم، تقصیر قلمداد شود

و بین این تقصیر و نتیجه (فوت) رابطه سببیت

(علیت) وجود داشته باشد، به نظر می‌توان اقدام

مرتکب را بر اساس ملاک‌های قانونی، در قالب

یکی از انواع قتل‌های عمد یا غیرعمد جای داد.



## تماس‌های مزاحم به مراکز اورژانس، یک معضل ریشه‌ای



### سیروان منصوری

روزانه شهروندان با این سامانه را ۴ هزار تماس اعلام کرد و گفت: «از مجموع تماس‌های تلفنی، ۲۰۰ مورد به عملیات آتش‌نشانی می‌انجامد و بقیه، مزاحمت‌های تلفنی می‌باشد. وی از شهروندان تقاضا کرد از تماس‌های غیرضروری با سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی به شدت خودداری کنند تا نیروهای آتش‌نشانی بتوانند امدادرسانی مناسب را برای حادثه‌دیدگان انجام دهند.» وی همچنین افزود: «از زمانی که شهروند با این سامانه تماس می‌گیرد، حدود ۴۰ ثانیه بعد، نزدیک‌ترین ایستگاه به محل حادثه اعزام می‌شود.»

برای بررسی این پدیده مضموم، راه‌های مقابله با آن، مجازات افراد متخلف، تاثیر آموزش و فرهنگ‌سازی بر کاهش این مزاحمت‌ها و بررسی زوایای مختلف این موضوع، مجله حقوق ما با «اکرم میچانی» وکیل دادگستری از استان مرکزی، گفتگو کرده است:

**برای مزاحمت تلفنی به اورژانس و آتش‌نشانی، چه مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است و مواد قانونی آن چیست؟**

مزاحمت تلفنی یک فعل عمدی است که به محض کشف، ملاک مسئولیت کیفری مزاحم شناخته می‌شود و مرتکب طبق قانون باید پاسخگوی عمل غیرقانونی خود باشد. ناگفته نماند که وقتی صحبت از تلفن میشود شامل تلفن‌های ثابت و تلفن‌های همراه است. در مورد گوشی یا تلفن همراه، طرق شکایت از مزاحمت تلفنی به روش صورت می‌گیرد: از طریق مراجعه به امور مشترکین و شکایت از مزاحم تلفنی در دادگاه، که البته بحث ما شکایت در دادگاه و از طریق حقوقی است.

به طور کلی در قوانین کشور ما، در دو قانون به بحث مزاحمت تلفنی پرداخته شده است:

آمارها مزاحمت تلفنی برای اورژانس و آتش‌نشانی تکان‌دهنده‌اند. مدیر حقوقی سازمان اورژانس کشور اعتقاد دارد عدم برخورد جدی با مزاحمان موجب شده تا گروهی از این افراد با تماس‌های مکرر، زندگی دیگر هموطنان را در معرض تهدید جدی قرار دهند. محمدرضا مهدی‌زاده می‌گوید: «اشغال خطوط اضطراری اورژانس توسط این‌گونه تماس‌های غیرضروری موجب می‌شود که بیماران و مصدومانی که در شرایط مرگ و زندگی هستند، از خدمات اورژانس محروم شوند.»

از طرف دیگر بابت یکتاپرست، سخنگوی سازمان اورژانس کشور، می‌گوید: «سالانه ۲۰ میلیون نفر با اورژانس ۱۱۵ تماس می‌گیرند که بر اساس آمار، حدود ۱۰ درصد آنها مزاحم تلفنی هستند. به گزارش همشهری آنلاین، بابت یکتاپرست سخنگوی سازمان اورژانس کشور با اشاره به اینکه مزاحمت تلفنی معضلی برای اورژانس ریشه‌دار محسوب می‌شود»، اظهار داشت: «بروز مزاحمت تلفنی می‌تواند منجر به از دست دادن مریضی شود که منتظر دریافت خدمات اورژانس است و این اتفاق دردناکی است. وی هزینه اعزام تکنسین‌های اورژانس با آمبولانس بر سر بالین بیمار را حدود ۵ میلیون تومان ارزیابی کرد.»

یکی دیگر از ارگان‌هایی که در ایران با مزاحمت‌های تلفنی زیاد مواجه می‌شود، سازمان آتش‌نشانی است. به عنوان مثال خبرگزاری‌ها تنها در یک هفته از ثبت ۸ هزار مزاحمت تلفنی با آتش‌نشانی مشهد، ۱۶۷۳ مورد برای آتش‌نشانی شیراز، ۱۵۷۲ مورد برای آتش‌نشانی شیراز، و ۱۸ هزار مزاحمت تلفنی برای آتش‌نشانی بیجار در یک سال خبر می‌دهند. از سوی دیگر، عزیز کارگری، مدیرستاد فرماندهی سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی تهران، میانگین تماس‌های

۱- ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی بخش

تعمیرات مصوب ۱۳۷۵: ماده ۶۴۱ قانون مجازات اعلام می‌دارد که «هر کس به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر، برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، به حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد.» در تفسیر این ماده باید گفت که با توجه به کلمه اشخاص که قانون‌گذار در این ماده به کار برده است، به (اشخاص) شامل اشخاص حقوقی و حقیقی می‌شود و با استفاده از همین نکته مزاحمت برای اورژانس و آتش‌نشانی هم به عنوان شخص حقوقی مشمول این ماده می‌شود. البته با توجه به قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری، این ماده از جرایم قابل گذشت محسوب شده و در نتیجه مجازات این جرم به نصف کاهش پیدا کرده است و مطابق با ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی، مرتکبین مزاحمت تلفنی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند.

### اگر مزاحمت تلفنی و اتلاف وقت این ارگانهای فوریتی باعث مصدومیت یا فوت کسی شود، قانون چگونه با این موارد برخورد می‌کند؟

ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی، مقید به نتیجه است، پس علاوه بر سوءنیت عام که عدم و قصد مرتکب است، باید سوءنیت خاص نیز که ایجاد مزاحمت باشد، احراز گردد.

با توجه به قابل گذشت بودن جرم ماده ۶۴۱ و اینکه در جرایم قابل گذشت، اصولاً تعقیب متهم فقط با شکایت شاکی شروع می‌شود، در صورت ایجاد مزاحمت (در بحث حاضر اورژانس یا آتش‌نشانی)، دادرسی با شکایت شخص حقوقی شروع می‌شود و واضح است که شخص حقوقی فقط می‌تواند از باب ایجاد مزاحمت شاکی باشد. در امور کیفری بر خلاف امور حقوقی، قانونگذار ظرفیتی برای ورود شخص ثالث در مراحل دادرسی در نظر نگرفته است و بزه‌دیده نمی‌تواند در دادرسی ورود کند و با توجه به قابل گذشت بودن جرم، امکان رسیدگی به جنبه عمومی جرم وجود ندارد.

### آموزش و پرورش و رسانه‌ها چگونه در این زمینه می‌توانند فرهنگ‌سازی کنند؟ آیا این

### مسئله یک معضل ریشه‌ای است؟

با توجه به اعلام ۱۰ درصدی این تماس‌ها از برخی مراکز اورژانس، در این که این مسئله یک معضل ریشه‌ای هست، شکی وجود ندارد. آموزش و پرورش یا رسانه‌ها قطعاً می‌توانند با فرهنگ‌سازی به حل این معضل کمک کنند. در خصوص آموزش و پرورش، این نهاد در زمینه فرهنگ‌سازی موثرترین نهاد است، چرا که می‌تواند فرهنگی ریشه‌دار و پایا در مسایل اجتماعی و بایدها و نبایدها ایجاد کند. ولی این نکته را باید در نظر داشت که فعالیت‌های فرهنگ‌سازی در آموزش و پرورش دیربازده است، بدین مفهوم که نتیجه کار این نهاد پس از ورود دانش‌آموزان تحت تعلیم به محیط کار و جامعه ثمرات خود را نشان داده و به منصفه ظهور می‌رسد.

در مورد رسانه، کار فرهنگ‌سازی رسانه سریعتر است، ولی پایداری ارزش فرهنگ ایجادشده توسط آموزش و پرورش را ندارد که البته رسانه‌های آزاد و همگام با مردم می‌توانند در جامعه به فرهنگ‌سازی کمک کنند. ناگفته نماند یکی از علت‌های این معضل

### شما چه راه‌حلی را برای کاهش این مزاحمت‌ها پیشنهاد می‌کنید؟ آیا تشدید مجازات‌ها می‌تواند یک عامل مهم باشد؟

در وهله نخست، تفکیک قانون و عدم قابل گذشت شدن مجازات جرم ایجاد مزاحمت برای اشخاص حقوقی، یعنی مجازات ایجاد مزاحمت برای ارگان‌هایی که خدمات عمومی را ارائه می‌دهند و به خصوص اورژانس و آتش‌نشانی که با جان افراد سر و کار دارند، شدیدتر از مجازات ایجاد مزاحمت برای شخص حقیقی باشد. در گام بعد مهمترین و موثرترین راه برای حل این معضل، ریشه‌یابی علت ایجاد مزاحمت است و کوشش در جهت برطرف کردن علل واقعی ایجاد مزاحمت، که البته این معضل ریشه در دلایل متفاوتی از جمله نبود آموزش و ناهنجاریهای اجتماعی و حتی اقتصادی و مشکلات روحی و روانی مزاحمین دارد.

### قوانین موجود تا چه اندازه توانسته در کاهش مزاحمت‌ها، موثر باشد؟ آیا توانسته‌اند نقش بازدارندگی بازی کنند؟

متأسفانه قانون به نحو خاص جرم‌انگاری نشده

## عدم همکاری رانندگان با آمبولانس‌ها ممکن است به قیمت جان انسان‌ها تمام بشود



علی‌اصغر فریدی

رسانه‌های ایران از تبدیل شدن مزاحمت تلفنی برای سازمان اورژانس استان تهران به یک معضل اجتماعی خبر داده و نوشته‌اند که تنها ظرف یک هفته، ۳۴ درصد میزان تماس‌های تلفنی مزاحم برای این سازمان افزایش یافته است. مقامات سازمان‌های اورژانس ایران بارها از موارد متعدد مزاحمت‌های تلفنی برای سامانه ۱۱۵ گلایه کرده و آن را باعث کاهش سرعت خدمات این نهاد و در نتیجه، تهدیدی علیه جان بیماران دانسته‌اند، اما آمار این مزاحمت‌ها همچنان بالاست.

چندی پیش معاون روابط عمومی سازمان اورژانس کشور با بیان اینکه به طور متوسط در کل کشور حدود ۱۰ درصد از تماس‌ها با سامانه ۱۱۵ مزاحمت تلفنی است به خبرگزاری «میزان» گفته بود که معاون حقوقی سازمان اورژانس کشور در حال تنظیم شکایت نامه برای برخورد قضایی با مزاحمین تلفنی است.

«بابک یکتاپرست» معاون روابط عمومی سازمان اورژانس کشور، در گفتگو با خبرنگار مهر، به مشکلات تکنسین‌های اپراتور ۱۱۵ اورژانس اشاره می‌کند و می‌گوید: «نیروهای

ما به صورت شبانه روزی آماده ارائه خدمات به هموطنان هستند، در حالی که معدود افرادی با تماس‌های بی مورد، برای همکاران ما ایجاد مزاحمت می‌کنند. وی با عنوان این مطلب که ما حق نداریم خط تماس مزاحم تلفنی را مسدود کنیم»، می‌افزاید: «طبق قوانین، ممکن است یکی از تماس‌های فرد درخواست کمک باشد. از همین رو، نمی‌توانیم شماره افراد را مسدود کنیم.»

از طرف دیگر به گزارش خبرنگار آنلاین، معاون عملیات اورژانس، آمار عجیبی درباره مزاحمت‌های تلفنی ارائه می‌دهد و می‌گوید: ۱۷۵ بار مزاحمت تلفنی یک فرد برای اورژانس فقط در یک روز رخ داده بود. وی همچنین تاکید می‌کند که برخی افراد بعد از این اتفاق‌ها ابراز پشیمانی می‌کنند.

به گزارش ایسنا، آمار بالای مزاحمان تلفنی، یکی از دلایل قابل توجهی است که گاهی به سختی می‌توانیم با نیروهای امدادی ارتباط برقرار کنیم. آن سوی دیگر ایجاد مزاحمت تلفنی برای نیروهای امدادی، بی‌تابی افرادی است که نیاز جدی به کمک دارند.

دردسر مزاحمان تلفنی برای سازمان اورژانس موضوع تازه‌ای نیست. مسئولان فعلی و سابق این سازمان بارها در این خصوص گلایه‌هایی را مطرح کردند و آماری را در این خصوص ارائه داده‌اند که نه تنها قابل توجه بوده، که در مواردی عجیب هم هست؛ مزاحمت‌هایی که

نه تنها موجب آزار پرسنل اورژانس می‌شود، که جابه‌جایی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی امدادرسانی به افرادی که واقعا نیاز به کمک دارند را هم مختل می‌کند و گاهی موجب می‌شود تا افرادی که واقعا نیاز به کمک دارند پشت خط منتظر بمانند و این بازی با جان دیگر آدمها است.

چند سال پیش در رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی ایران اعلام شد «چرخ‌های یک دستگاه آمبولانس که برای نجات جان بیماری به خیابان شهید بشهتی تهران مراجعه کرده بود، توسط شهروند دیگری پنچر شده و به علت عدم توانایی در حرکت آمبولانس، بیمار در اثر عدم اعزام به مراکز درمانی جان خود را از دست داده است.»

یا در اقدام عجیب دیگری، چند سال پیش یکی از آمبولانس‌های اورژانس در شیراز هنگام عزیمت به محل مأموریت خود، مورد حمله همراه بیمار قرار گرفت و ضمن توهین و فحاشی به تکنسین‌های اورژانس موجب خسارت به آمبولانس نیز شد.

از طرف دیگر، برخی حقوق‌دانان با بیان اینکه یکی از انتقادات به این قانون این است که علاوه بر مقدار حبس کوتاه جایگاه نهاد دولتی نیز نادیده گرفته شده است، پیشنهاد می‌کنند که اگر مزاحمت برای یک ارگان دولتی حساس نظیر اورژانس و یا آتش‌نشانی بود جرم غیر قابل گذشت و مدت زمان حبس طولانی‌تر شود. یکی از موارد سوءاستفاده از آمبولانس در ایران،

**شما بیش از دو سال است که در بخش امداد و نجات در آلمان مشغول به کار هستید، برخورد خودروها و ترافیک شهری و همچنین عابرین پیاده با خودروها و آمبولانس‌های امداد و نجات چگونه است؟ آیا در این زمینه با مشکلات عبور و مرور روبرو می‌شوید و محدودیت‌هایی برایتان وجود می‌آید؟**

با اطمینان می‌توانم بگویم که در این مدت زمانی که من در بخش امداد و نجات، در کلانشهری مثل «لایپزیک» که معمولا ترافیک سنگینی دارد مشغول به کار به هستم، کمترین مشکلی در این زمینه که پرسیدید، ندیده و نداشته‌ام، در این رابطه فکر می‌کنم به صورت جدی فرهنگ‌سازی شده و رانندگان به صورت جدی با ماشین‌های امدادی همکاری می‌کنند، حتی سوالات متعددی در بخش امتحان آیین‌نامه رانندگی در رابطه با خودروهای امدادی و آمبولانس‌ها گنجانده شده و در کل رانندگان بسیار این موضوع را رعایت می‌کنند.

در مواقعی هم که در حین مأموریت هستیم و آژیر روشن است، بدون استثنا رانندگان به محض مطلع شدن از حضور ما، به هر طریق ممکن راه را برای ما به عنوان ماشین امداد و نجات، باز می‌کنند تا ما بتوانیم مریض یا مجروح را به بیمارستان منتقل کنیم یا در اسرع وقت در محل حادثه حاضر شویم. من به شخصه تاکنون

به موردی که خودروی راه را برایم باز نکند و یا قصد سوءاستفاده از وضعیت پیش آمده را داشته باشد و بخواهد به دلیل باز شدن راه برای خودرو امداد از ترافیک بگریزد، برخورد نکرده‌ام و چنین موردی برایم پیش نیامده است.

اما رانندگانی که در پشت محل تصادف بودند، همانند آمبولانسی که در حال مأموریت است و با چراغ‌گردان روشن و آژیر حرکت می‌کند، برایمان راه باز کردند تا ما هم همانند دیگر خودروهای امدادی در سریعترین زمان ممکن به محل حادثه برسیم.

من نمی‌توانم بگویم که همه چیز عالی است، در هیچ کجای دنیا هیچ موردی نیست که تمام و کمال باشد، اما آنچه که من اینجا تجربه کرده‌ام با آنچه که قبلا در ایران دیده‌ام، به هیچ

**اخیرا در خبرهای مربوط به ایران، به نقل از «محمد اسماعیل توکلی» رئیس مرکز اورژانس استان تهران، آمده بود که در طی یک هفته، از مجموع ۶۷ هزار و ۳۹۲ تماسی که با اورژانس گرفته شده، چهار هزار و ۲۴۸ تماس آن مزاحمت تلفنی بوده است. آیا در اینجا شما هم با چنین معضلی روبرو هستید؟**

من در این مدت زمانی که اینجا مشغول به کار هستم تاکنون چنین مواردی را نشنیده‌ام و حتی



همکارانی داریم که حدود ۳۰ سال است که در این مرکزی که من کار می‌کنم شاغل هستند و از آنها هم نشنیده‌ام که با چنین مواردی درگیر باشند. مواردی هست که می‌توان آن را سوءاستفاده نامید و ما گاهی با آن روبرو می‌شویم و آن هم این است که مثلاً گاهی اشخاصی زنگ می‌زنند و ما هنگامی که به آنجا می‌رویم، می‌بینیم که این مورد آنقدر جدی نبوده که شخص به ما زنگ بزند، او می‌توانست به ارگانها و بخش‌های دیگری زنگ بزند و حتی می‌توانست خودش با وسیله نقلیه عمومی به درمانگاه برود و یا اصلاً تا فردا صبر کند و به پزشک مراجعه کند.

چنین مواردی هرچند بسیار کم وجود دارد که ما با آن درگیر هستیم، اما چیزی که شخصی الکی و به قصد شوخی و برای تفریح زنگ بزند و یا آدرس الکی بدهد و به اصطلاح خودمان بخواهد اوپراتور یا خورو امداد و نجات را سر کار بگذارد، من ندیده‌ام.

قطعاً چنین اقداماتی پیگردهای قانونی دارد و مرکزی که من در آنجا کار می‌کنم چنین موردی را نداشته‌ایم. من هیچ ماموریتی نبوده که رفته باشم و گزارش کذب بوده باشد، تمام مواردی که تماس گرفته شده و من و همکارانم رفته‌ایم، درست بوده و خوشبختانه تا کنون تماس سرکاری و دروغ نداشته‌ایم.

**تردد آمبولانس در ترافیک را از زاویه دیگر نگاه کنیم، آنچه که من اینجا**

**می‌بینم اینگونه است که آمبولانس‌ها از چراغ قرمز رد می‌شوند، گاهی خطوط تراموها را مورد استفاده قرار می‌دهند و حتی مسیرهای یک‌طرفه را برعکس و در جهت خلاف طی می‌کنند، در ایستگاه‌های اتوبوس توقف می‌کنند. شما آیا مجاز به همه این کارها هستید؟**

به خاطر اینکه بتوانیم مریض یا مجروح را سریع به مرکز درمانی برسانیم و یا به موقع به محل حادثه برسیم، قانون این اجازه را به ماشین‌های امدادی داده که در صورت به خطر نینداختن جان

عابین پیاده و سرنشین خودروها و مختل نکردن ترافیک، برخی از قوانین را نادیده بگیریم، اما این بدان معنا نیست که هر کاری دلمان خواست انجام بدهیم. ما وقتی که مجبور باشیم چراغ قرمزی را رد کنیم باید حداقل صد متر مانده به چراغ آژیر را روشن کنیم، در محوطه چهارراه و هنگام عبور از چراغ باید سرعت حدوداً هفت تا ده کیلومتر بر ساعت داشته باشیم، جان عابین را به خطر نیندازیم و حتی اگر در این مواقع تصادف کنیم، این ما هستیم که مقصریم چون وارد حریم دیگر رانندگان و عابین شده‌ایم. بیندازیم.

درست است که قانون برای ما برای تسهیلاتی در نظر گرفته است، اما این به معنای این نیست که ما هرطور که خواستیم رفتار کنیم. در مواردی که مریض یا مجروح حالش وخیم نیست و تاخیر در رساندن او به مراکز درمانی جانش را به خطر نمی‌اندازد، ما حتی حق نداریم که آژیر را روشن کنیم و ترافیک جاه‌ای را مختل کنیم. در نهایت باید بگوییم که ما قرار است جان یک انسان را نجات بدهیم نه اینکه با بی‌ملاحظگی و عدم رعایت قوانین، جان دیگر انسان‌ها را به خطر بیندازیم.

## مزاحمت تلفنی برای اورژانس و آتش نشانی



### علی اصغر فریدی

سازمان‌های فوریتی مثل اورژانس و آتش نشانی، دلایل این پدیده، راهکارها جهت کم شدن و جلوگیری از آن، نحوه برخورد سیستم قضایی با این موضوع و مشکلاتی که از این ناحیه برای مردم پیش می‌آید، با طنز کلاهچیان، حقوقدان و وکیل دادگستری به گفتگو نشستیم.

**مزاحمت تلفنی به صورت کلی در قوانین ایران چگونه تعریف شده است و شامل چه مصادیقی می‌شود؟**

با رشد چشمگیر و توسعه فضای ارتباطی در جهان، شاهد بروز اتفاقات و رخدادهایی از این گستردگی فضای مجازی می‌باشیم. گاهی جنبه‌های اذیابی این رخدادها به قدری است که قانونگذار در مقام تدوین و تصویب قوانین به این باور می‌رسد که خلاء ناشی از آن را با نگارش و تصویب قانون مطابق با آنچه نیاز جامعه احساس می‌شود، تکمیل کند.

یکی از این رخدادها که پس از همه‌گیر شدن خطوط ارتباطی تلفن حادث گردید، بحث ایجاد مزاحمت تلفنی بود. هرچند که این موضوع فقط به دوران تلفن‌های دستی و دارای کابل منتهی نمی‌شد و تا به امروز که پیشرفت تکنولوژی با گوشی‌های همراه و فضای مجازی نیز توسعه یافته را شامل می‌شود. قانونگذار به دلیل اهمیت و فضای کاربرد این ابزار و همچنین احتمال بروز آسیب‌هایی که ناشی از آن می‌شود،

تلفن یکی از اختراعات بشری است که با انگیزه راحت‌تر زیستن و در جهت افزایش آرامش و آسایش فکری انسان‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر ساخته شده است. اما این دستگاه سودمند هم مثل سایر دستگاه‌های ساخته بشری در کنار رفاه می‌تواند مورد سوء استفاده بشر قرار بگیرد.

مصادق بارز این سوءاستفاده، ایجاد مزاحمت و از بین بردن آسایش و آرامش سایر استفاده‌کنندگان و کاربران این دستگاه است. قانونگذار ایران برای اولین بار به دلیل شیوع روزافزون سوءاستفاده از تلفن و دستگاه‌های مشابه، با اندیشه حمایت از کاربران و جلوگیری از تجاوز به آسایش و امنیت روانی آنان به جرم انگاری این موضوع پرداخت. این موضوع نخستین بار در تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تشکیل شرکت مخابرات ایران در ۱۳۵۰ به تصویب رسید و همچنین پس از آن در قانون مجازات اسلامی برای ایجاد مزاحمت به وسیله این دستگاه‌ها، قانونگذار ماده ۶۴۱ به منظور اعمال مجازات تصویب کرد. وفق این ماده، مرتکب مستوجب مجازات است. در ذیل به اصول و مبانی حقوقی و میزان مجازات و چگونگی برخورد مرتکبین این امر خواهیم پرداخت.

درباره موضوع ایجاد مزاحمت تلفنی برای

مزاحمت تلفنی را جرم‌انگاری نموده است. بدین عبارت که یک عمل عمدی آگاهانه که به محض کشف، ملاک مسئولیت کیفری مزاحم شناخته می‌شود. پرداخت هزینه‌های مربوط خواهد بود و برای همان گونه که پیشتر بیان گردید، لزوم و وجود عنصر قانونی از درجه اهمیت بسزایی برخوردار است. گاهی افراد به قصد شوخی و مزاح، چنین مزاحمتی را برای افراد حقیقی و نهادها یا ارگان‌های خاص از جمله آتش‌نشانی و اورژانس مرتکب می‌شوند که در نتیجه ارتکاب آنها، حتی بدون داشتن قصد سوء، وقایع جبران‌نشده‌ی محقق می‌گردد. قانونگذار در دو ماده از دو قانون سعی داشته است تا برای مرتکبین مجازات در نظر بگیرد. ابتدا وفق ماده ۶۴۱

«هرگاه کسی به‌وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت کند، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد» و دیگری تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تاسیس شرکت مخابرات ایران که می‌گوید: «هر کس وسیله مخابراتی در اختیار خود را، وسیله مزاحمت دیگری قرار دهد، یا به عمد و سوءنیت، ارتباط دیگری را مختل کند، برای بار اول پس از کشف، ارتباط تلفنی او به مدت یک هفته همراه با اخطار کتبی قطع و تجدید ارتباط مستلزم پرداخت هزینه‌های مربوط خواهد بود. برای بار دوم پس از کشف، ارتباط تلفنی او به مدت سه ماه همراه با اخطار کتبی قطع و تجدید ارتباط مستلزم تقاضای مشترک و پرداخت هزینه‌های مربوط خواهد بود و برای بار سوم شرکت، ارتباط تلفنی وی را به طور دائم قطع و اقدام به جمع‌آوری منصوبات تلفن نموده و ودیعه مربوط به مشترک را پس از تسویه حساب مسترد خواهد نمود.

### آیا برای مزاحمت تلفنی به اورژانس و آتش‌نشانی، مجازات‌های مجزا در نظر گرفته شده است و مواد قانونی آن چیست؟

به طور مشخص و صریح پاسخ به این سوال منفی است. با نگاهی به قوانین موجود، یعنی قانون مجازات اسلامی و قانون تاسیس شرکت مخابرات ایران، به طور مشخص مجازاتی برای مزاحمت به نهادهایی که وظیفه خاص و متفاوتی دارند، پیش‌بینی نگردیده است و قانونگذار هیچگاه اهمیت و لزوم وضع قانونی خاص در این موارد را احساس ننمود است. این

در حالی است که بنا بر گزارشات مرکز اورژانس و همچنین آتش‌نشانی که از مراکز و نهادهای خاص طبق عملکرد و وظیفه ذاتی خود هستند، آمار بالایی از میزان مزاحمت تلفنی در سال برای این مراکز خبر می‌دهد. بنابر وظیفه ذاتی و حدود صلاحیت این مراکز که در ارتباط با حوزه سلامت فردی و پیشگیری از بروز حوادث برای افراد جامعه است، لزوم تصویب این قانون برای جلوگیری از سوءاستفاده و ارتکاب این قسم جرایم نسبت به مراکز خاص، از اهمیت بالایی برخوردار است. ضمن آنکه اغلب برای افرادی که در این خصوص مرتکب جرم می‌گردند، به علت عدم شناسایی فرد مرتکب، دستگیری و بازداشتی نیز صورت نمی‌گیرد و عملاً منتهی به نتیجه نمی‌گردد.

خود به دنبال یافتن راه حل برای کم‌شدن این امر و همچنین آتش‌نشانی که از مراکز و نهادهای خاص طبق عملکرد و وظیفه ذاتی خود هستند، آمار بالایی از میزان مزاحمت تلفنی در سال برای این مراکز خبر می‌دهد. بنابر وظیفه ذاتی و حدود صلاحیت این مراکز که در ارتباط با حوزه سلامت فردی و پیشگیری از بروز حوادث برای افراد جامعه است، لزوم تصویب این قانون برای جلوگیری از سوءاستفاده و ارتکاب این قسم جرایم نسبت به مراکز خاص، از اهمیت بالایی برخوردار است. ضمن آنکه اغلب برای افرادی که در این خصوص مرتکب جرم می‌گردند، به علت عدم شناسایی فرد مرتکب، دستگیری و بازداشتی نیز صورت نمی‌گیرد و عملاً منتهی به نتیجه نمی‌گردد.

مختلف برای اندکی خندیدن یا ارائه آدرس غلط به مراکز خاص به محض شوخی می‌نمایند و یا اینکه از تلفن عمومی به عنوان تماس با مراکز خاص استفاده می‌کنند که قطعاً قابل ردگیری نمی‌باشد و نهایتاً منتهی به بازداشت یا حتی تذکر به مرتکبین نمی‌شود.

از منظر روانشناختی و جامعه‌شناسی، علت این گونه مزاحمتها چیست؟ آیا صرفه جنبه شوخی دارد یا مسایل دیگری در آن دخیل است؟ شاید بتوان گفت علت این مزاحمت و ایجاد



اختلال در سیستم مخابراتی برای مراکز خاص از جمله اورژانس و آتش‌نشانی، ریشه در تربیت ناصحیح و نادرست خانواده‌ها نسبت به کودکان خود می‌باشد. امر که می‌بایست از منظر جامعه‌شناسی و روانشناسی بدان توجه ویژه نمود.

کودکانی که در زمان کودکی و نوجوانی نیازمند دریافت محبت و دیده شدن از سوی خانواده هستند و همین امر سبب بروز رفتاری خارج از سن انسانیت می‌گردد. گاهی این رفتار از سوی جوانی انجام می‌گیرد که دوران نوجوانی آسیب‌پذیری داشته و متأسفانه همین رفتار برای تمسخر و شوخی‌انگاشتن در وی نهادینه می‌گردد. قطعاً افرادی که مرتکب چنین فعل ناپسندی می‌گردند خود از اثرات ناشی از آن بی‌اطلاعند.

به ارتکاب چنین اعمالی را داشته باشند. البته که این اقدام ممکن است مسیر طولانی داشته باشد، اما می‌توان امیدوار بود که با ارائه راهکارها از سوی این نهادها، اندکی از میزان این قسم جرایم کاهش یابد.

قانونگذار در ماده ۶۴۱ حبس را مجازات این جرم تعیین کرده است، حال آنکه در بسیاری از جرائم، نظیر این مورد مجازات دیگری جایگزین حبس خواهد شد. شاید هم حبس همچنان مجازات مناسبی برای افرادی که مرتکب چنین اعمالی میشوند، نباشد.

بهترین راهکار برای این افراد، فرستادن و ارجاع

### شما چه راه‌حلی را برای کاهش این مزاحمتها پیش‌نهاد میکنید؟ آیا تشدید مجازاتها میتواند یک عامل مهم باشد؟

از جمله موارد و راهکارهایی که می‌توان در این خصوص به آن اشاره داشت، این است که لوایحی از سوی بانین امر از جمله شرکت مخابرات یا ارتباطات زیرساخت به مجلس تهیه و یا حتی مراکز اورژانس و آتش‌نشانی با ارائه راهکارهای خود به سیستم قضایی و یا به مجلس تقاضای تدوین مواد یا بندهایی نسبت

آنها به مراکز روانشناسی است تا تحت درمان حوادث جبران‌ناپذیری را برای آن فرد یا خانواده این موضوع قرار بگیرند. وی به همراه داشته باشد.

متأسفانه برخی از این رفتارها ریشه در کودکی داشته و آسیب‌هایی که در دوران کودکی برای این افراد اتفاق افتاده، سبب شده است تا آنها در دوران نوجوانی یا جوانی، فقط برای دیده‌شدن و برای اندکی خندیدن دست به چنین اقدامات ناپسندی بزنند. بدین معنا که رفتار نهادینه‌شده در

هر چند نمی‌توان آسیبی که ممکن است در لحظه دیر رسیدن اورژانس به یک بیمار قلبی وارد شود را نادیده گرفت، که متأسفانه می‌تواند می‌آورد.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)